

مبلغان مسیحی در ایران

از صفویه تا انقلاب اسلامی

ویدا همراز

شناسنامه پژوهشی اثر

عنوان طرح‌نامه: فعالیت مبلغان مسیحی در ایران از عصر صفوی تا انقلاب اسلامی
پژوهشکده: فرهنگ و مطالعات اجتماعی، گروه علمی: غرب‌شناسی

محقق: ویدا همراز

ارزیابان علمی: آقایان دکتر علی بیگدلی و دکتر محمدمیر شیخ نوری
موضوع اصلی: فعالیت مبلغان مسیحی در ایران از عصر صفوی تا انقلاب اسلامی
موضوع فرعی: تاریخ فعالیت مسیونرهای مسیحی در ایران
مدت انجام تحقیق: ۴ سال



مبلغان مسیحی در ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی

ویدا همراز

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

طراح جلد: فرشید خالقی

چاپ اول: ۱۳۹۱ شماریان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

لیتوگرافی: چاپ و صحافی: چاپ مجاب

سرشناسه: همراز، ویدا، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: مبلغان مسیحی در ایران، از صفویه تا انقلاب اسلامی / ویدا همراز.
مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۳۴۰ ص.

شابک: ۹ - ۱۸۵ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: قیید

یادداشت: کتابخانه، همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه

موضوع: میخان مذهبی مسیحی - ایران.

موضوع: هیات‌های اعزامی مسیحی - ایران.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ردیفی کتبره: BV ۷۰۰/۵۸۴۲ ۱۳۹۱

ردیفی دیوبی: ۲۶۶/۰۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۹۲۸۴۵

فروشگاه و نمایشگاه دائمی: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۴

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

همه حقوق محفوظ است

فهرست

پیشگفتار.....	۹
سخن نخست.....	۱۳
مقدمه.....	۱۹
۱. تبلیغ مسیحیت؛ از آغاز تا پایان عصر حواریین.....	۱۹
۲. تبلیغ مسیحیت پس از عصر حواریین تا قرن هفتم و گسترش دین اسلام.....	۲۸
۳. فعالیت‌های تبلیغی مسیحیان؛ از جنگ‌های صلیبی تا اصلاحات کلیسایی.....	۳۰
۴. شورای لاتران و گسترش تبلیغ مسیحیت.....	۳۲
۵. گسترش فعالیت مبلغان مسیحی در عصر استعمار.....	۳۴
۶. نقش کلیساهای پروتستان در تبلیغ مسیحیت.....	۳۶
۷. نهضت‌های تبلیغی در مناطق آلمانی‌زبان.....	۳۹
۸. نهضت‌های تبلیغی در آمریکا.....	۴۳
۹. نهضت‌های تبلیغی در فرانسه پس از عصر اصلاحات.....	۴۷
۱۰. فعالیت مبلغان مسیحی در ایران از آغاز تا دوره مقول.....	۵۰
۱۱. مبلغان مسیحی در ایران عصر مقول.....	۵۲
۱۲. مبلغان مسیحی در دوره تیموری.....	۵۹
فصل اول: تاریخچه فعالیت مبلغان مسیحی در ایران.....	۶۳
۱-۱. مبلغان مسیحی در دوره صفویه.....	۶۵
۱-۱-۱. سیاست مذهبی شاهان صفوی.....	۶۷
۱-۱-۲. فعالیت مبلغان آگوستین و فرانسیسکن در ایران عصر صفوی.....	۷۰

- ۱-۱-۳. فعالیت مبلغان کارملیت در ایران عصر صفوی..... ۷۷
- ۱-۱-۴. مبلغان ژزوئیت و کاپوسن در دوره صفوی..... ۸۰
- ۱-۲. فعالیت مبلغان مسیحی در ایران دوره افشاریه..... ۸۸
- ۱-۳. فعالیت مبلغان مسیحی در ایران دوره زندیه..... ۹۴
- ۱-۴. فعالیت‌های مبلغان مسیحی در دوره قاجاریه..... ۱۰۰
- ۱-۴-۱. مبلغان انگلیسی در دوره قاجاریه..... ۱۰۳
- ۱-۴-۱-۱. فعالیت انجمن اشاعه مسیحیت میان یهودیان در دوره قاجاریه..... ۱۱۲
- ۱-۴-۱-۲. فعالیت هیئت سراسقف اعظم کانتربوری برای کلیسای آسوری در ایران..... ۱۱۲
- ۱-۴-۱-۳. فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا یا C.M.S در دوره قاجاریه..... ۱۱۵
- ۱-۴-۲. فعالیت مبلغان آمریکایی در ایران دوره قاجاریه (کلیسای پرسیتترین)..... ۱۲۴
- ۱-۴-۲-۱. ادونتست‌های روز هفتم..... ۱۴۰
- ۱-۴-۲-۲. نقش مبلغان آمریکایی در برقراری روابط سیاسی ایران و آمریکا در دوره قاجاریه..... ۱۴۳
- ۱-۴-۳. مبلغان آلمانی در ایران دوره قاجاریه..... ۱۴۷
- ۱-۴-۴. مبلغان ارتدکس روسی در ایران دوره قاجاریه..... ۱۵۲
- ۱-۴-۵. فعالیت مبلغان کاتولیک در ایران دوره قاجاریه..... ۱۵۷
- ۱-۵. فعالیت مبلغان مسیحی در دوره پهلوی..... ۱۶۶
- ۱-۵-۱. فعالیت مبلغان انگلیسی..... ۱۶۷
- ۱-۵-۲. فعالیت مبلغان آمریکایی..... ۱۷۴
- ۱-۵-۳. مبلغان آلمانی..... ۱۷۹
- فصل دوم: شیوه‌های تبلیغی مبلغان مسیحی در ایران..... ۱۸۳
- ۲-۱. امور فرهنگی و آموزشی..... ۱۸۵
- ۲-۱-۱. فعالیت آموزشی مبلغان آمریکایی در ایران..... ۱۸۸
- ۲-۱-۱-۱. ارومیه..... ۱۸۸
- ۲-۱-۱-۲. تبریز..... ۱۹۰
- ۲-۱-۱-۳. تهران..... ۱۹۱
- ۲-۱-۱-۴. مدرسه دخترانه آمریکایی تهران..... ۱۹۴

- ۲-۱-۱۵. رشت ۱۹۷
- ۲-۱-۱۶. همدان ۱۹۸
- ۲-۱-۲. فعالیت آموزشی مبلغان انگلیسی ۱۹۹
- ۲-۱-۲-۱. جلفا و اصفهان ۱۹۹
- ۲-۱-۲-۲. مدرسه دخترانه انگلیسی جلفا ۲۰۱
- ۲-۱-۲-۳. کرمان ۲۰۱
- ۲-۱-۲-۴. یزد ۲۰۳
- ۲-۱-۳. فعالیت آموزشی مبلغان کاتولیک در ایران ۲۰۴
- ۲-۱-۳-۱. مدارس دخترانه کاتولیک‌ها ۲۰۸
- ۲-۱-۴. واگذاری مدارس مبلغان مسیحی به دولت ایران ۲۱۲
- ۲-۱-۵. نقش هدایش‌های تبلیغی در گسترش مسیحیت ۲۱۹
- ۲-۱-۶. ادبیات تبلیغی در ایران یا چاپ و نشر کتب و نشریات تبلیغی مسیحی ۲۲۲
- ۲-۱-۷. ترجمه انجیل به زبان فارسی ۲۲۴
- ۲-۱-۸. انتشارات مسیحیان در ایران ۲۲۶
- ۲-۱-۹. نقش رادیو در تبلیغ مسیحیت ۲۲۸
- ۲-۲. فعالیت‌های پزشکی-درمانی مبلغان مسیحی در ایران ۲۳۰
- ۲-۲-۱. فعالیت مبلغان آمریکایی در امور درمانی-پزشکی ۲۳۲
- ۲-۲-۲. فعالیت پزشکی مبلغان انگلیسی ۲۳۵
- ۲-۲-۳. فعالیت پزشکی-درمانی مبلغان آلمانی ۲۳۹
- ۲-۲-۴. تأسیس مرکز درمانی بیماران جذامی در ایران ۲۴۱
- ۲-۲-۵. فعالیت‌های پزشکی مبلغان کاتولیک در ایران ۲۴۲
- ۲-۳. امور مذهبی و تأسیس کلیساهای جدید در ایران ۲۴۴
- ۲-۳-۱. کلیسای انجیلی (پرسبیتریان) ۲۴۴
- ۲-۳-۲. جماعت ربانی ۲۴۶
- ۲-۳-۳. ادوتیست‌های روز هفتم ۲۴۶
- ۲-۳-۴. کلیسای کاتولیک ایران ۲۴۷
- ۲-۳-۵. کلیسای اسقفی ایران ۲۴۸
- ۲-۳-۶. کلیسای برادران (برادران پلیموث) ۲۴۸

۲۴۹.....	شاهدان یهوه.....
۲۵۱.....	فصل سوم: واکنش جامعه ایرانی در برابر فعالیت مبلغان مسیحی.....
۲۵۳.....	۳-۱. واکنش علما و روحانیون مسلمان.....
۲۶۲.....	۳-۲. واکنش دولتمردان و زمامداران.....
۲۶۵.....	۳-۳. واکنش رهبران دینی اقلیت‌های مذهبی مقیم ایران.....
۲۶۷.....	۳-۴. واکنش عامه مردم.....
۲۷۱.....	نتیجه‌گیری.....
۲۷۹.....	کتابنامه.....
۲۹۱.....	پیوست‌ها.....
۳۰۵.....	نمایه اعلام.....
۳۱۹.....	نمایه موضوعی.....
۳۲۱.....	اسناد و تصاویر.....

پیشگفتار

رخداد بی نظیر انقلاب اسلامی ایران در جهان دین‌گریز و بلکه دین‌ستیز قرن بیستم، نشانه بحرانی جدی در جریان سکولارسازی حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌شمار می‌رود. هر چند فوری‌ترین اثر پیروزی انقلاب اسلامی تغییر نظام سیاسی بود، اما روشن است که بدون پایه‌ها و مبانی فکری متقن و استوار، وقوع چنین تحول عظیمی ناممکن بود. به عبارت دیگر، «انقلاب فکری» مقدمه و زیربنای قیام ملت ایران علیه نظام استبدادی شاهنشاهی است. بنابراین بدیهی بود که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز این تحول فکری رو به گسترش، بستر رشد و شکوفایی هرچه بیشتر را طلب نماید. از آنجا که چالش‌های فکری و فرهنگی برای نظام جمهوری اسلامی از مهم‌ترین آوردگاه‌های تقابل اندیشه پویا و مولد انقلاب اسلامی با سایر اندیشه‌ها محسوب می‌گردد، برنامه‌ریزی و سازمان‌خاصی را نیاز دارد. دهه اول پس از پیروزی به استقرار نظام و مقابله با توطئه جنگ سپری شد و فرصت اندیشه، بیشتر در عرصه عمل و تجربه انقلابی متمرکز گردید و شهدای دفاع مقدس موفق شدند فراتر از اندیشه‌ها، راه‌هایی را گشوده و پشت‌سر گذارند که غبطه عارفان و عالمان را برمی‌انگیخت. در دهه دوم با پشت‌سر گذاشتن دفاع مقدس، دوران بازسازی کشور براساس آرمان‌های انقلاب اسلامی آغاز شد و در این عرصه، رویارویی فرهنگی برجستگی خاصی یافت و امید و انتظار چالش‌گری فکری و فرهنگی از نیروهای متعهد و آگاه به هویت و افق آینده ملت ایران در پرتو اسلام، بستر ساز فعالیت‌هایی

سازماندهی شده در قالب مؤسسات پژوهشی گردید.

«پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» که نهادی علمی است مولود چنین بستری است که از زمان تأسیس می‌کوشد با ترویج و تبیین مبانی فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی به‌گونه‌ای مؤثر، چالش‌های فکری و فرهنگی در برابر انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن را همچون فرصتی مغتنم مورد استفاده و بهره‌برداری قرار دهد.

این پژوهشگاه در قالب پنج پژوهشکده حکمت اسلامی، دین پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی، دانشنامه‌نگاری دینی و مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

«پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی» که متشکل از پنج گروه «فرهنگ پژوهی»، «مطالعات انقلاب اسلامی»، «تاریخ و تمدن»، «غرب‌شناسی» و «ادبیات اندیشه» است، در راستای سازماندهی تأملات و کاوش‌ها در خصوص تحولات فرهنگی و اجتماعی می‌کوشد زمینه تولید آثاری با جهت‌گیری انتقادی و بومی را درباره مسائل و مشکلات حوزه‌های یاد شده فراهم سازد.

۱. شناخت و بازپیرایی موارث مکتوب علمی اسلامی در حوزه تاریخ، تمدن، فرهنگ و هنر ایران و اسلام؛

۲. تحقیق در زمینه تحولات، مبانی و مسائل تمدن، فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی؛

۳. تحلیل و بازکاوی کاستی‌های دیرین، آسیب‌شناسی وضعیت کنونی و بررسی چشم‌انداز و چالش‌های آتی فرهنگ و تمدن اسلامی و ارائه راهکارهای شایسته جهت احیاء و ارتقای فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی و تعمیق پیوند نسل امروز با آن؛

۴. بررسی و تبیین نظری پیشینه، مبانی، اهداف و فرایند تحقق انقلاب اسلامی و مطالعه و بازشناسی مسائل و موانع انقلاب و راه‌های تحکیم اصول و توسعه آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی آن و مصون‌سازی طبقات اجتماعی در قبال تازش فکری- فرهنگی بیگانگان؛

۵. بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های فکر و فرهنگ غربی و نقد و ارزیابی علمی

دستاوردهای تمدن جدید، بررسی راه‌های توسعه اندیشه اسلامی و طرق اصطیاد عناصر انسانی و عقلانی فرهنگ و تمدن دیگر ملل؛

۶. نقد آثار منتشره و آراء مطرح شده در حوزه‌های مطالعاتی پژوهشکده.

تحقیق حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند سرکار خانم دکتر ویدا همراز در گروه غرب‌شناسی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی است، به موضوع فعالیت مبلغان مسیحی (مبسیونرهای مسیحی) در ایران می‌پردازد.

تبلیغ مسیحیت در کشورهای جهان سوم از آنجا که با اهداف سیاسی و اقتصادی دولت‌های مسیحی غرب و نهادهای سلطه طی چند قرن گذشته همسو شده است، باید قرائن از امری دینی و تلاش برای گسترش آیین مسیحیت مورد توجه قرار گیرد. پیگیری اهداف خاصی با عنوان تبلیغ دین مسیح، امروزه نیز با بهره‌گیری از روش‌های جدید ارتباطی ادامه دارد. از طرفی در ایران هم چندصد سال حضور و فعالیت متنوع چند گروه مبلغ مسیحی هرگز در یک پژوهش و یک‌جا دیده نشده است. ضرورت این پژوهش در امور فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حائز اهمیت است و می‌تواند سرچشمه پژوهش‌های تکمیلی باشد.

در اثری که پیش‌رو دارید، با تبیین و تشریح فعالیت‌های تبلیغی فرستادگان مسیحی قدرت‌های غربی در ایران، دو فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد: نخست اینکه حضور مبلغان مسیحی در ایران بر زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایرانیان و روابط آنها با غرب تأثیر گذاشته است. دوم اینکه مبلغان اسلامی و فرهنگ دیرپای ایرانی موجب شده است به‌رغم حضور طولانی و متنوع مبلغان مسیحی و حمایت دولت‌های غربی از آنها در ایران، موفقیت چندانی برای تغییر دین ایرانیان نداشته باشند.

این پژوهش با تکیه بر اسناد و منابع متعدد، به روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. البته نگارنده، در مواردی نیز برای تکمیل اطلاعات از گفت‌وگو با شاهدان عینی مدد گرفته است.

بر خود لازم می‌دانیم از تلاش‌های علمی و ارزشمند محقق ارجمند، سرکار

خانم دکتر ویدا همراز، تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از شورای علمی گروه غرب‌شناسی، و نیز ارزیابان این تحقیق، آقایان دکتر علی بیگدلی و دکتر محمدامیر شیخ‌نوری، که با ارائه نظرهای ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند و همچنین از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که عهده‌دار آماده‌سازی، چاپ و انتشار این اثر بوده، کمال سپاس و امتنان را داریم.

گروه غرب‌شناسی

پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

سخن نخست

فعالیت‌های تبلیغی مسیحیان برای انتشار آراء و عقایدشان در سرزمین‌های گوناگون از صدر مسیحیت آغاز شده و تا امروز همچنان ادامه دارد؛ به‌طوری‌که در بیشتر کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین، صفحاتی از تاریخ روابط خارجی آن کشورها به جنبه‌های گوناگون فعالیت مبلغان مسیحی غربی اختصاص یافته است. این تبلیغات در کشورهایی که سابقه سلطه استعماری اروپاییان را دارند، با سهولت بیشتر و در سایه حمایت دولت‌های استعماری صورت می‌گرفت؛ به‌طوری‌که میسیونری را بازوی مذهبی استعمار غرب در سرزمین‌های غیرمسیحی دانسته‌اند. اهمیت میسیونرها در تاریخ غرب به آن اندازه بود که حتی ظهور پروتستانیسیم و تضعیف جایگاه کلیسای کاتولیک در برنامه‌های تبلیغی مسیحیان وقفه جدی به‌وجود نیاورد و کلیسای پروتستان هم پس از تحکیم پایه‌های خود و به‌ویژه پس از افزایش پیروانش در کشورهای شمال اروپا و سپس ایالات متحده آمریکا، با پشتکار به تأسیس گروه‌های تبلیغی همت گماشت. تبلیغ میان پیروان ادیان بدوی و پیروان دیگر ادیان الهی چون اسلام و یهودیت، هدف مشترک کلیه گروه‌های تبلیغی کاتولیک و پروتستان بود و گاهی فقط امکانات مالی و نیروی انسانی، در انتخاب محل تبلیغ میسیونرهای مسیحی دخالت می‌کرد.

تبلیغ در کشورهای اسلامی از مهم‌ترین برنامه‌های میسیونرهای کاتولیک و پروتستان، به‌ویژه پس از جنگ‌های صلیبی بوده است. در این میان، برخی کشورهای اسلامی مانند عثمانی و ایران به‌دلیل حضور اقلیت‌های دینی

غیرمسلمان و یا هم‌جواری با پایگاه‌های مهم تبلیغی (مانند هند و روسیه) بیشتر مورد توجه میسیونرها قرار گرفتند. این فعالیت‌ها در قرون هیجده و نوزده میلادی برابر با سیزده و چهارده هجری قمری، به علل متعدد سیاسی و فرهنگی که در متن کتاب به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است، گسترش یافت و مبلغان منفرد و اعضای انجمن‌های تبلیغی کاتولیک و پروتستان در مناطق گوناگون اقدام به تأسیس پایگاه‌های تبلیغی مسیحی کردند. با توجه به طرح‌های گسترده‌ای که کلیساها و انجمن‌های تبلیغی مسیحی برای انتشار مسیحیت در جهان اسلام (از جمله ایران) داشته و دارند، کسب آگاهی از شیوه ورود آنها به ایران و تأثیر حضور آنها بر جامعه ایرانی ضرورت دارد.

به‌طور قطع می‌توان گفت جز برخی آثار علماء مسلمان و مجالس مناظره میان کشیشان مسیحی و علمای شیعه در اواخر دوره صفویه تا دوره قاجاریه، هیچ واکنش جدی نسبت به حضور این میسیونرها صورت نگرفته است و از دوره قاجاریه برخی علماء مسلمان با انتشار رساله‌هایی چند، کوشیدند ماهیت اصلی آنها را به مردم نشان دهند. در دوران مشروطیت، مخالفت با حضور آنها به‌عنوان بخشی از مبارزات سیاسی بر ضد بیگانگان استعمارگر مطرح شد و آثاری در این باره البته به‌طور محدود در نشریات آن زمان انعکاس یافت. پس از آن، در دوره پهلوی نگاه رایج به این‌گونه فعالیت‌ها، اقدامات خیریه و آموزشی بود که در کتاب‌هایی که در حوزه روابط فرهنگی ایران با دیگر کشورها چون آمریکا، فرانسه و انگلیس به چاپ می‌رسید، منعکس می‌شد. برای نمونه، می‌توان از تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا، نوشته علی‌اشباح و یا آثاری که از طرف میسیونرها و تربیت‌یافتگان آنها با هدف تقدیر و بزرگ‌نمایی چاپ می‌شد، مانند تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، نوشته جان الدر نام برد.

بنابراین تا دوره انقلاب اسلامی، منابع چاپ‌شده در این‌باره فاقد تحلیل علمی و صحیح از اهداف مبلغان مسیحی است. پس از انقلاب، مرحوم دکتر عبدالهادی حائری اولین گام را در معرفی اهداف و نتایج حضور مبلغان مسیحی در ایران، اثر ارزشمند خود به نام نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو

رویه تمدن بورژوازی غرب برداشت. در ادامه، ترجمه آثاری چون لانه‌های استعمار یا نقش کلیسا در ممالک اسلامی اثر نویسنده عرب مصطفی خالد و عمر فروخ صورت گرفت که نمونه‌هایی از این‌گونه تبلیغات را در دیگر کشورهای اسلامی معرفی کرد، یا تکننگاری‌هایی مانند فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا یا C.M.S اثر خانم صفورا برومند که فعالیت مبلغان انگلیسی را در دوره قاجار مورد بررسی قرار می‌دهد.

نگارنده نیز از سال ۱۳۷۰ با تدوین پایان‌نامه کارشناسی ارشد و سپس همکاری در تولید مجموعه برنامه تحقیقی در رادیو، پژوهش در این موضوع را مورد توجه قرار داده است. ضمن احترام به کوشش‌های همه پژوهشگران، تأکید می‌نماید که مزیت اثری که پیش‌رو دارید، این است که در یک مجموعه به هم پیوسته سیر فعالیت‌های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مبلغان مسیحی را بررسی کرده و به ابعاد گوناگون فعالیت‌های فرق‌ها و انجمن‌های تبشیری در ایران پرداخته است.

خلا پژوهش در این باره در ایران به زمان گذشته محدود نمی‌شود؛ زیرا فعالیت مبلغان مسیحی قطع نشده و ادامه دارد. محدوده آن و یا روش‌های تبلیغی به اقتضای زمان و مکان تغییر یافته، ولی ایران هرگز از فهرست مناطق مورد توجه سازمان‌های تبلیغی مسیحی در اروپا و آمریکا حذف نشده است. تبلیغ مسیحیت امروزه دیگر مانند سابق به صورت سنتی نیست، بلکه روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود. برای مثال، تبلیغ در پوشش امور خیریه، امور آموزشی، عمرانی، و بهداشتی شروع شد و سپس با به‌کارگیری رسانه‌هایی چون کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون و امروزه ماهواره و اینترنت ادامه دارد. تنوع در فعالیت‌های مسیونرهای مسیحی چنان است که رشته‌ای خاص به نام میسیولوژی در حوزه مطالعات ادیان را به وجود آورده است. میسیونرهای تعلیم‌دیده قرن‌هاست بنیان‌های فرهنگی کشورهای اسلامی را هدف قرار داده‌اند. درباره ایران تاکنون در داخل و خارج از کشور همواره مسلمانان ایرانی هدف بوده‌اند. فعالیت رادیوهای مسیحی فارسی‌زبان، شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و... مبلغانی که به‌طور خاص میان

مهاجران ایرانی مقیم کشورهای خارجی فعالیت کرده و برای تغییر دین آنها تلاش می‌کنند، باید در پژوهش‌های مستقل مورد بررسی قرار گیرد.

به نظر می‌رسد جای چنین پژوهشی در «مجموعه غرب‌شناسی» خالی است. تبلیغ مسیحیت به‌عنوان یک ابزار تهاجم فرهنگی غرب، به‌درستی شناخته نشده است. این پژوهش با هدف ارائه مستندات تاریخی و چهره‌ای روشن از میسیونرهای مسیحی و اقدامات آنها در ایران صورت می‌گیرد؛ و تلاش می‌شود تا فصلی مهم از تاریخ روابط فرهنگی ایران و نیز تاریخ زندگی یکی از اقلیت‌های مذهبی ایران یک‌جا ارائه شود.

پژوهش حاضر این کاربرد را خواهد داشت که هوشیاری جامعه و نهادهای ذی‌ربط را به مسئله‌ای که در ظاهر به تاریخ پیوسته، ولی همواره در حال فعالیت و به‌روز شدن است، جلب کند و همچنین آگاهی عمومی در این زمینه را افزایش دهد.

سؤالاتی که این تحقیق به دنبال پاسخ آنهاست، عبارتند از:

۱. علل حضور مبلغان مسیحی در ایران چه بوده است؟
 ۲. حضور مبلغان مسیحی چه تأثیری بر جامعه ایرانی داشته است؟
 ۳. ابعاد گوناگون فعالیت آنها در هر زمان چه بوده است؟
 ۴. چرا ایران به‌عنوان حوزه تبلیغی مورد توجه میسیونرهای مسیحی قرار داشت و فرقه‌های متعدد کاتولیک و پروتستان به ایران آمدند؟
 ۵. این مبلغان چه روش‌هایی برای تبلیغ داشتند و چرا این روش‌ها را اتخاذ کردند؟
- با توجه به سؤالات مذکور، فرضیه تحقیق عبارت است از: «مبلغان مسیحی به‌عنوان بخشی از جریان سیاسی- فرهنگی غرب برای استحاله جامعه ایرانی عمل کرده‌اند».

روش تحقیق پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای است و در آن منابع فارسی و انگلیسی و عربی مورد تأکید قرار گرفته است، اسناد بسیار از مجموعه مانند اسناد سازمان اسناد ملی، وزارت امور خارجه ایران، اسناد مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن مبلغان پرسیتترین در آمریکا و... بررسی شده است. در عین حال، با چند نفر از مبلغان مسیحی و

دست‌اندرکاران امر تبلیغ در ایران هم گفت‌وگوهایی صورت گرفته و از اطلاعات شاهدان استفاده شده است. این تحقیق بیشتر توصیفی است و گاه از تحلیل نیز در آن استفاده شده است.

این تحقیق در سه فصل ساماندهی شده است و می‌کوشد تحلیلی تاریخی از روند فعالیت مبلغان مسیحی در ایران از دوره صفویه تا انقلاب اسلامی ارائه کند.

www.ketab.ir

مقدمه

۱. تبلیغ مسیحیت: از آغاز تا پایان عصر حواریون

در طول تاریخ بشر، تبلیغ و الشاعه پیام نقش اساسی در تداوم مکاتب و جهان‌بینی‌ها داشته است. پیروان ادیان الهی نیز با توجه به رسالتی که در نجات بشر از پلیدی‌ها برای خود قائل‌اند، در طول تاریخ به تبلیغ توجه کرده‌اند تا حقایق دین خود را به دیگران عرضه کنند و آنها را به رستگاری فراخوانند. در میان ادیان الهی، فقط دین یهود است که به علت دیدگاه قومی به تبلیغ نمی‌پردازد. در تورات آمده است که بنی‌اسرائیل در مراسمی خاص با یهوه پیمان بستند و تعهد کردند تا همگی از یک خون باشند و یک واحد اجتماعی غیرقابل تجزیه را تشکیل دهند.^۱ این موضوع در قرآن مجید نیز یاد شده است.^۲ براساس این پیمان است که یهودیان خود را تنها وارث دین حضرت موسی علیه السلام می‌شناسند و بدین علت برای تبلیغ یهودیت در میان اقوام دیگر تلاش نمی‌کنند. این ویژگی قوم یهود، یعنی انحصار آیین حضرت موسی علیه السلام در محدوده قومی طی چند قرن حفظ شد و امروز هم در سراسر جهان از یهودیان اقلیتی دینی با ویژگی‌های خاص ساخته است. البته باید توجه داشت که اگرچه یهودیان نسبت به تبلیغ در میان اقوام غیر بنی‌اسرائیل بی‌اعتنا بودند، اما فعالیت تبلیغی در داخل

۱. تورات: سفر خروج؛ ۲۵: ۱۱-۳.

۲. بقره: ۱۲۲-۴۰.

جامعه یهودی را برای حفظ و زنده نگاه داشتن سنت‌های دینی خود به‌طور دقیق و سازمان‌یافته انجام می‌دادند. پس از حضرت موسی علیه السلام، با وجود کوششی که «انبیاء» بنی اسرائیل برای حفظ اصول دین یهود کردند، پایه‌های دین موسی به فراموشی سپرده شد و مقارن بعثت حضرت عیسی علیه السلام، جامعه یهودی در گسست تفرقه و دینی به سر می‌برد و فقط برخی احکام اولیه در میان بنی اسرائیل اجرا می‌شد.^۱ از این رو خداوند حضرت عیسی علیه السلام را برای اصلاح جامعه و راهنمایی مردم مبعوث کرد. براساس مندرجات انجیل متی، آن حضرت تباری یهودی داشت و انجیل لوقا هم سلاله آن حضرت را تا پیش از حضرت ابراهیم برشمرد است.^۲

در انجیل آمده است که آن حضرت در جوانی، بخش بزرگی از شریعت و آموزه‌های پیامبران یهود را آموخت و آن‌گونه که پس از شروع دعوتش هم فرمود، برای اصلاح و تکمیل شریعت یهود مبعوث شده بود.^۳

انجیل متی، عیسی علیه السلام را محقق کامل پیشگویی‌های تورات می‌داند، ولی در لوقا، عیسی پیامبری برای همه مردم و نه فقط برای هدایت یهودیان معرفی می‌شود. در آن زمان، گروه زیادی از یهودیان در انتظار «مسیح» بودند.^۴ اما به درستی نمی‌دانیم چه تعداد از آنها عیسی پسر مریم را به‌عنوان موعود خود «مسیح» پذیرفتند. کسانی که به عیسی گرویدند و یاران همراه او بودند و به‌طور مستقیم تعالیم او را دریافت کردند، ۱۲ نفر بودند که در تاریخ به نام «حواریون» شهرت یافتند. این واژه از واژه حبشی «حواریا» و به معنی بشارت‌دهنده به زبان عربی راه یافته است.^۵

مسیحیان آنها را Apostle به معنای رسول و نماینده می‌خوانند. این دوازده

۱. ویلیام میلر؛ تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران؛ ترجمه علی نخستین؛ ص ۱۵-۲۲.

۲. انجیل متی؛ ۱: ۱۷-۲.

۳. انجیل لوقا؛ ۳: ۲۳-۲۸.

۴. انجیل متی؛ ۵: ۱۷-۱۸.

۵. برای اطلاع بیشتر رک: محمدرضا زیبایی‌نژاد؛ مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای.

نفر مأموریت داشتند در میان بنی اسرائیل به تبلیغ بپردازند. مأموریت اصلی آنها در سفرهای تبلیغی، بشارت مردم به نزدیک بودن ملکوت آسمان بود.^۱ نام این حواریون یا رسولان براساس باب دهم انجیل متی عبارتند از: شمعون آندریاس، بطروس، یوحنا، فیلیپ، برتوما، یعقوب، توما، متی، شمعون کنعانی، یهوذا، یهوذا اسکریوطی.

گفته شده است این ۱۲ نفر را عیسی فرستاد و بدیشان وصیت کرده و گفت: «از راه امت‌ها نروید و در بلدی از سامریان داخل نشوید، بلکه نزد گوسفندان گمشده اسرائیل بروید و چون می‌روید، موعظه کرده بگویید که ملکوت آسمان نزدیک است».

پس از مصلوب شدن عیسی علیه السلام به تعبیر مسیحیان، حواریون یازده‌گانه در جلسه‌ای که به ریاست بطرس برگزار شد، برای جانشینی یهودای خائن، متیاس را به‌عنوان رسول دوازدهم برگزیدند و این نکته نشان می‌دهد عدد دوازده که در میان بنی اسرائیل مقدس بود، در میان مسیحیان اولیه نیز جایگاه ویژه داشت.^۲ در این زمان، مشکل اصلی حواریون یا رسولان ناآشنایی با وظایف دقیق خود بود، اما ده روز بعد از غیبت عیسی علیه السلام در عید پنتیکاست، آنان پرتو روح القدس را دریافتند و از آن پس برای ترویج و تبلیغ پیام عیسی علیه السلام قدرت دوباره یافتند. شاید این روز را بتوان سرآغاز دوران تبشیر در مسیحیت پس از حضرت عیسی علیه السلام دانست:

چون روز پنتیکاست رسید، به یک‌دل در یک‌جا بودند که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پر ساخت، در زبان‌های منقسم شده مانند زبان‌های آتش به ایشان ظاهر شد؛ بر هر یکی از ایشان قرار گرفته و همه از روح القدس برگشته به زبان‌های مختلف...^۳

در آن روز روح القدس بر حواریون عیسی علیه السلام ظاهر شد و هر یک از کسانی

۱. همان.

۲. انجیل متی؛ ۱۰: ۵.

۳. آرچیبالد رابرتسون؛ عیسی اسطوره یا تاریخ؛ ترجمه حسین توفیقی؛ ص ۸۹.

۴. اعمال رسولان؛ ۲: ۱۳-۱.

که در آنجا حاضر بودند، به زیان خود کلام روح القدس را شنیدند. آنچه از این آیات کتاب مقدس برمی آید، چند نکته را روشن می سازد: نخست آنکه از این پس و در سراسر کتاب مقدس «روح القدس به مثابه محرک اظهار و اعلام بشارت و عامل ایمان به مسیح تلقی می شود و درواقع با این تجلی روح القدس، مؤمنان اولیه مسیحی که افرادی پراکنده بودند، یک واحد یکپارچه به نام «امت مسیحی» را تشکیل دادند و برای گسترش مسیحیت اقدام کردند.

پس از این رویداد مهم، حواریون با مردم سخن گفتند، پطرس در خطابه ای تأثیرگذار گفت: «هرکس نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.»^۱

تأکید او بر کلمه «هرکس» نشان می دهد که حواریون دیگر دعوت حضرت عیسی را شامل یهودیان نمی دانند، بلکه هرکس از هر جا کلام و پیام او را بشنود و بپذیرد، نجات یافته است.^۲

به روایت انجیل متی، حواریون به جریز یهودای خائن، بر کوه جلیل با عیسی صلی الله علیه و آله دیدار کردند:

یازده رسول در جلیل بر همان کوه که از پیش عیسی نشان داده بود، وی را دیدند و عیسی به آنها گفت: «بروید امت ها را راهنمایی کنید و ایشان را به اسم پدر پسر و روح القدس تعمید دهید و من تا پایان عالم همه روز همراه شما خواهم بود.»^۳

با این حال، متی در جایی دیگر هنوز این بشارت را خاص بنی اسرائیل می داند. شاید به آن دلیل که مسیح از جامعه ای یهودی برخاست، انتظار می رفت که بشارت او خاص یهودیان باشد. این مباحثات در سراسر قرن اول میلادی ادامه داشت و تا انجیل چهارگانه آئینه این تردید در انتخاب مخاطبان پیام عیسی صلی الله علیه و آله می باشند، ولی سرانجام مسیحیان خود را جامعه ای مستقل اعلام کردند و تبلیغ پیام عیسی را در سراسر جهان آن روز وظیفه خود شمردند.

۱. همان، ۲: ۲۱.

۲. مری جو ویور؛ *درآمدی به مسیحیت*؛ ترجمه حسن قنبری؛ ص ۹۰/ رضا هلال؛ *مسیح یهودی و فرجام جهان*؛ ترجمه قیس زعفرانی.

۳. انجیل متی؛ ۲۸: ۱۹-۲۰.

کلیسا در سال‌های آغازین، کلیسای رسولان نامیده شد و مقصود از آن، جامعه رسولان دوازده‌گانه و نسل‌های نخستین مسیحیان است که از نظر زمانی تا حدود سال ۱۰۰م یعنی تقریباً هم‌زمان با تدوین آخرین بخش‌های اناجیل چهارگانه را دربر می‌گیرد.^۱ جامعه اولیه مسیحی، جامعه‌ای همگرا بود. همه مسیحیان با هم می‌زیستند و در همه چیز شریک بودند و هر روز مراسم دعا برپا می‌کردند.

بن‌شک، مسیحیان نخستین، مبلغانی پرشور و مشتاق بودند که باور داشتند روح‌القدس با آنها سخن گفته است. اگرچه در مسیحیت درباره «روح‌القدس» و «وحی» بسیار سخن رفته است، اما حتی در عهد جدید نقش آن کمتر از آن چیزی است که در قرون دوم تا چهارم میلادی بود.

در مسیحیت و یهودیت، «وحی» ارتباط مستقیم خدا که متوجه گروهی از مردم یا شخص خاص است، تعریف می‌شود که حتی اگر فرد واحدی آن را تجربه کند، محتوای آن به همه مردم مربوط می‌شود و پاسخ یک گروه را می‌طلبد.^۲ با چنین تعریفی از وحی، تمیم دادن تجربه ارتباط با روح‌القدس به افرادی غیر از حواریون در سال‌های پس از مرگ آنها قابل توجیه و نیروی محرکه حرکت تبلیغی مسیحیت شد.

مبلغان اولیه مسیحیت فقط دیگران را به پرستش خدای واحد پدر همه - عیسی منجی - قیامت مردگان و نگاهداری نفس دعوت می‌کردند. آنها دارای تشکیلات سازمانی پیچیده و تعلیمات منظم به‌صورتی که امروزه در مراکز تبلیغی مسیحی وجود دارد نبودند، بلکه در اصل مؤمنانی بودند که ابلاغ پیام مسیح به رنج‌دیدگان و گمراهان را وظیفه دینی خود می‌دانستند. با این حال به تدریج تلاش‌هایی برای نظم دادن به این مبلغان صورت گرفت؛ هرچند که متون شناخته‌شده مسیحی، اطلاعات دقیقی از سلسله‌مراتب آنها و حوزه فعالیت‌شان به‌دست نمی‌دهند. اما این پرسش مطرح است که آیا این مبلغان در کلیسای اولیه تابع سلسله مراتب خاص بودند؟

۱. توماس میشل: کلام مسیحی؛ ترجمه حسین توفیقی؛ ص ۹۹.

۲. مری جو ویور؛ درآمدی به مسیحیت؛ ص ۳۵.

۳. ویلیام میلر؛ تاریخ کلیسای قدیم؛ ص ۱۲۸.

پولس تأکید داشت که همه مسیحیان برای خدمت به جامعه آمادگی دریافت کرامت روح القدس را دارند، بنابراین در کلیسای پولس مجموعه کاملی از کارکردها و خدمات روزمره برای وعظ و رهبری جامعه دینی مسیحی تعریف شده بود.^۱

پولس در رساله اول کورنتیان^۲ این افراد را برمی‌شمرد:

خدا در کلیسا اشخاص معین قرار داده است: اول رسولان، دوم پیامبران، سوم معلمین و پس از اینها، معجزه‌کنندگان و شفادهندگان و مددکاران و مدیران و آنان که به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند.

حال این پرسش پیش می‌آید که آیا همه رسولان یا پیامبران معلم هستند؟ آیا رسولان نبودند که شفا می‌دادند و آیا جز آن دوازده نفر، دیگران هم می‌توانند معجزه کنند و شفا دهند؟ آنان که به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند، همان مبلغان سیار نیستند که به شهرهای متعدد و به میان اقوام گوناگون می‌روند و با آنها سخن می‌گویند؟

در اعمال رسولان^۳ لفظ رسولان برای دوازده شاگرد عیسی مسیح یا همان حواریون به کار رفته است، ولی از برخی نشانه‌های دیگر چون اعمال رسولان^۴ و غلاطیان چنین استنباط می‌شود که منظور از رسولان، مبلغان سیاری بودند که به طور مستقیم از طرف کلیسا برای تبلیغ در منطقه‌ای خاص انتخاب و به آنجا اعزام می‌شدند، مانند پولس و برنابا که به انطاکیه رفتند و با تبلیغ مسیحیت در این منطقه که یکی از سه شهر مهم امپراتوری روم پس از رم و اسکندریه بود، اولین اجتماع مسیحی متشکل از یهودی‌زادگان را تأسیس کردند.^۵ در دیگر متون مسیحی از انبیاء و مبشران به طور جداگانه یاد شده است. در اعمال رسولان از فیلیپوس^۶ به عنوان مبشر یاد شده، ولی در

۱. هانس کونگ: تاریخ کلیسای کاتولیک؛ ترجمه حسن قنبری؛ ص ۶۵.

۲. اعمال رسولان؛ رساله کورنتیان؛ ۲۹: ۱۲-۲۸.

۳. همان، ۶: ۶.

۴. همان، ۱۴: ۱۴.

۵. هانس کونگ: تاریخ کلیسای کاتولیک؛ ص ۶۱.

۶. اعمال رسولان؛ ۲۱: ۸.

جایی دیگر هم او رسول خوانده شده است. معلمان نیز گروهی بودند که در کار تبلیغ مسیحیت کوشا بودند، ولی درباره شیوه فعالیت آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. با توجه با این تردیدها درباره سازمان کلیسای اولیه، به نظر می‌رسد ساختارهای مرجعیت و رهبری تبلیغی مسیحیت همراه با توسعه جامعه مسیحی رشد کرد و ثبات یافت؛ هرچند که عهد جدید به‌طور یکسان از مراتب آن یاد نمی‌کند.

در نامه اول پولس به تسالونیکیان، نامی از رهبران کلیسا برده نشده است؛ ولی در اعمال رسولان وظایف آنها تبیین شده است. همچنین از نامه‌های پولس درمی‌یابیم که میان نخستین مبلغان پرشور مسیحی، زنان هم حضور داشتند،^۱ ولی به نظر می‌رسد فعالیت تبلیغی زنان محل مناقشه بوده است و گروهی از مسیحیان اولیه در تطبیق خود با فرهنگ حاکم بر قرن اول میلادی و میراث یهودی، نجات زنان را فقط در پرداختن به امور خانواده می‌دانستند و آنها را از فعالیت جدی و آشکار در جامعه و تبلیغ منع می‌کردند.^۲ در اولین دوره گسترش مسیحیت و پس از تأسیس کلیسای انطاکیه پولس پیشوای امر تبلیغ شد.

او تعالیمش را در حول دو محور اصلی «الوهیت مسیح و منحصرنبودن تعالیم مسیح به یهودیان» متمرکز کرد. او کلیسا را نه فقط محاسنی برای عبادت مسیحیان، بلکه پیکره و جسم مسیح می‌دانست و عقیده داشت کلیسا شامل همه کسانی است که غسل تعمید یافته و ایمان به مسیح از آنها جمعی واحد ساخته است.^۳ برخی روایات مسیحی از تقسیم وظیفه تبلیغ میان حواریون سخن می‌گویند. جبهه را حوزه تبلیغی متی و عربستان را حوزه کار برتولما و ایران و هند را محل تبلیغ توما می‌دانند، اما در صحت برخی از این روایت‌ها تردید است.^۴

۱. رساله رومیان؛ ۱۶: ۱-۶.

۲. تیموتاوس؛ ۲: ۸-۱۱.

۳. برای اطلاع بیشتر از نقش او در تبلیغ و تحکیم پایه‌های کلیسای اولیه ر.ک: محمدرضا زیبایی‌نژاد؛

مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای؛ ص ۱۰۵-۹۱/ ویل دورانت؛ تاریخ تمدن؛ ج ۳، ص ۶۰۰.

۴. ویلیام میلر؛ تاریخ کلیسای قدیم؛ ص ۶۴.

با این حال، یک نکته قطعی است و آن اینکه توسعه کلیسا در قرون اول و دوم نامتوازن بود. یک‌دهه بعد از عروج حضرت عیسی، مسیحیان بیشتر در فلسطین و اسکندریه و انطاکیه پراکنده بودند، ولی در پایان قرن دوم؛ کلیساهای فعال در سراسر امپراتوری روم تا ماوراء دریای مدیترانه به وجود آمدند. با سرگه آخرین حواریون، تحولی جدی در تبلیغ مسیحیت به وجود آمد. فقدان دسترسی به شاگردان حضرت عیسی که تعالیم آن حضرت را به طور مستقیم درک کرده بودند، لزوم جمع‌آوری متون دینی مسیحیان را بیشتر کرد و هم‌زمان با انتشار مسیحیت در سرزمین‌های گوناگون و طرح سؤالات متعدد درباره شرایع و اعمال و وظایف نومسیحیان و در دفاع از حملاتی که به این دین می‌شد، گروهی از نویسندگان مسیحی، نگارش رساله‌هایی در دفاع از این آیین جدید را آغاز کردند.

کلیسا از میان متون متعدد که درباره حضرت مسیح نوشته شده بود، چهار کتاب را به رسمیت شناخت. از آن پس، کتاب‌های متی، مرقس، یوحنا و لوقا که در حدود سال‌های ۴۰ تا ۷۰م نوشته شده بودند، به عنوان اناجیل به رسمیت شناخته شدند و همراه با اعمال رسولان، رساله‌های حواریون و مکاشفات یوحنا، «عهد جدید» را پدید آوردند که استعاره‌ای از پیمان جدید انسان با خداوند و شروع دوران جدیدی از ارتباط خداوند و انسان بود که پس از «عهد عتیق» یعنی پیمان بنی‌اسرائیل با خداوند شکل گرفت. چهار انجیل رسمی، چهار تصویر گوناگون را از زندگی حضرت عیسی روایت می‌کنند، ولی در مجموع منبعی مکتوب برای تبلیغ مسیحیت می‌باشند.

۱. انجیل کلمه‌ای یونانی است که دو بخش eu به معنی خوب و Evanglion به معنی مژده و آگاه کردن دارد. این کلمه در متی: ۲۵ به معنی بشارت ملکوت و در لوقا: ۲: ۱۰ به معنی بشارت خوشی عظیم آمده است، زیرا مسیحیان معجزات و تعالیم حضرت مسیح را مژده و بشارتی برای مردم می‌دانستند و چون در این چهار کتاب زندگانی آن حضرت بیان شده است، لفظ انجیل به کار می‌رود (ر.ک: جیمزهاوکس؛ تسموس کتاب مقدس / جلال‌الدین آشتیانی؛ تحقیقی درباره دین مسیح).

رویداد سرنوشت‌ساز دیگری که در دوران حواریون روی داد، سقوط اورشلیم و دولت یهودی آن در سال ۷۰م بود که موجب شد کلیسای نوپای مسیحی مقرر اصلی خود را از دست بدهد. در سال ۷۰م، یهودیان علیه سلطه رومیان بر اورشلیم شورش کردند. سپاهیان رومی به فرماندهی تیتوس، پسر امپراتور، پس از پنج ماه محاصره، شهر را فتح و عده زیادی از یهودیان را قتل‌عام کردند و صدها هزار نفر را به بردگی فروختند و میکل را سوزاندند. اما مسیحیان در این شورش ضدرومی شرکت نکردند و پس از این رویداد به ساحل شرقی رود اردن پناه بردند.

شروع سرگردانی قوم یهود نقطه عطفی در تاریخ مسیحیت بود، زیرا مبلغان مسیحی به جوامع غیریهودی توجه کردند و در سراسر قلمرو روم پراکنده شدند و به فعالیت پرداختند. ورود مسیحیت به روم و آشنایی مسیحیان با فلسفه یونانی، عامل دیگری بود که به جذابی مسیحیت از یهودیت و معرفی آن به عنوان آیینی کاملاً مستقل و نه منشعب از یهودیت (آن‌گونه که در سال‌های اولیه ظهور حضرت عیسی به نظر می‌رسید) کمک کرد.

کلیسای مسیحی نوپیداد نه فقط سلسله مراتب داخلی خود را از رومیان اقتباس کرد و پایتخت این دولت را به‌عنوان مرکز جدید کلیسای مسیح برگزید، بلکه با استفاده از شبکه کم‌نظیر راه‌هایی که از مدیترانه تا عربستان و از شمال اروپا تا ساحل رود نیل امتداد یافته بود، مبلغان خود را به اقصای نقاط جهان شناخته‌شده آن دوران اعزام کرد. به‌نظر می‌رسد گسترش مسیحیت در قرن دوم میلادی بیشتر در شهرها و البته در میان طبقات محروم و تهیدست شهرها بوده است. تبلیغ در میان طبقات فرودست جامعه، استراتژی و روش تبلیغی حواریون و به‌خصوص پولس بود که به‌عنوان بزرگ‌ترین و پرکارترین مبلغ مسیحی در قرن اول میلادی شناخته شده است. او به تنهایی و یا همراه تنی چند از حواریون و مریدانش شهر به شهر سفر می‌کرد. در هر شهر مدتی اقامت و وعظ می‌کرد و چون عده‌ای مرید و شاگرد جدید می‌یافت، آنجا را ترک می‌کرد. پولس در اولین سفر مهم تبلیغی خود به آسیای مرکزی در حدود سال‌های ۴۷ و ۴۸م همراه با برنابا و مارک بیش از ۱۵۰۰ مایل را پیمود و تبلیغ کرد.

۲. تبلیغ مسیحیت پس از عصر حواریون تا قرن هفتم و گسترش دین اسلام

اشتیاق حواریون برای جلب پیروان جدید در قرن دوم میلادی به وسیله نوکیشان مسیحی با استراتژی «دریافت پیام از روح القدس» ادامه یافت. اگرچه در مسیحیت درباره روح القدس و وحی بسیار سخن رفته است، ولی حتی نقش آن در عهد جدید کمتر از نقشی است که پس از دوره حواریون یافت. تجربه دریافت وحی و ارتباط با روح القدس با مرگ حواریون پایان نیافت، بلکه از انحصار خارج شد و عمومیت یافت. البته این عمومیت یافتن خطرهایی نیز در پی داشت؛ به طوری که در قسمت‌های متأخر عهد جدید از پیامبران دروغین یاد می‌شود و به نظر می‌رسد برخی افراد سودجو با ادعای ارتباط با روح القدس تهدیدی برای جامعه نوپای مسیحی بودند.

احتمالاً استقرار رسمی کلیسا و قدرت یافتن مسیحیت به عنوان دین رسمی امپراتوری روم به حرکت‌های تبلیغی سامان بیشتری داد، ولی مسیحیت مهم‌ترین بحران تاریخی حیات خود را یعنی استقلال و جدایی از یهودیت و یافتن راهی برای ادامه حیات، از سر گذراند. مسیحیت این فرصت را یافت که پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰م با هویتی مستقل راه را ادامه دهد و رشد کند، اما در مواجهه با دنیای یونانی- رومی به ناچار به اخذ و تطبیق روی آورد. دانست که چگونه خود را هماهنگ کند، از کجا اقتباس کند و چگونه به پیام خود در آن روزگار شکل دهد.^۱ در قرن چهارم میلادی، کلیسا ارتباط تنگاتنگی با حکومت و قدرت سیاسی یافت. عقیده عامه آن بود که کلیسای رم را پطرس و پولس بنیان گذارده‌اند. پطرس اولین اسقف رم بوده است، به این ترتیب سلسله مراتب نظام کلیسایی به وجود آمد و در شورای کالسدون^۲ رسمیت یافت و این آغاز تاریخ پایی است.

۱. مری جوویر؛ درآمدی به مسیحیت؛ ص ۱۰۹.

۲. این شورا در سال ۴۵۱ میلادی در شهر کالسدون کنار تنگه بوسفور برگزار شد و مفهوم ارتدکسی درباره شخصیت عیسی مسیح را تبیین کرد.